

## نقد و بررسی دانشنامه علوم اجتماعی

دکتر پیمان متین

دانشگاه تهران

pmatin 28 @yahoo.com

دانشنامه علوم اجتماعی، آدام کوپر و جسیکا کوپر (ویراستاران)، لندن و نیویورک، راتلج، ویراست سوم، ۲۰۰۵، xxiv+۱۰۰۰ صفحه، شابک: ۰۴۱۵-۳۲۰۹۶۸-۳۹۵ دلار

رالف دارندورف،<sup>(۱)</sup> علم الاجتماع (Social Science) را عبارتی جاه طلبانه برای مشخص کردن مجموعه‌ای از اصول مطالعه و روشهای تحقیقاتی می‌داند که سعی دارند ابعاد گوناگون جامعه انسانی را در برگیرند. کاربرد این اصطلاح (در شکل مفرد آن) بیشتر اشاره به روشها و رویکردها دارد و روزبه‌روز کمرنگ‌تر می‌شود؛ برعکس کاربرد آن در معنای جمع (علوم اجتماعی) مقبولیت عام - چه نزد پژوهشگران و چه نزد عموم مردم - یافته است. تعریف علوم اجتماعی، حوزه آن و رویکرد نسبت به آن بسیار متفاوت است. این تفاوت نه تنها در فرهنگهای گوناگون، بلکه نزد مکاتب و اندیشمندان نیز متنوع است. اصطلاحات Sozialwissenschaften, Science Sociales, Social Science در فرهنگهای مربوط، تعریف و دامنه متفاوتی از منظر کاربرانشان دارند. شاید ساده‌ترین دیدگاه، یکی دانستن علوم اجتماعی با جامعه‌شناسی (Sociology) یا ترکیبی از نظریه‌های اجتماعی صرف باشد، اما به واقع قضیه کمی پیچیده‌تر است.

دانشنامه تخصصی علوم اجتماعی کوپر و کوپر، علوم اجتماعی را مشتمل بر علم اقتصاد،<sup>(۲)</sup> جامعه‌شناسی،<sup>(۳)</sup> انسان‌شناسی<sup>(۴)</sup> و علوم سیاسی<sup>(۵)</sup> می‌داند (ص ۸۰۰). اما همان در تبیین فلسفه علوم اجتماعی، آن را مجموعه‌ای از جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی، اقتصاد، تاریخ، جغرافیا، جمعیت‌شناسی و زبان‌شناسی تعریف می‌کند (ص ۶۰۴). همین سردرگمی در میان پژوهشگران ایرانی هم دیده می‌شود. این علوم در دانشگاهها و دانشکده‌ها به چندین حوزه آموزشی و پژوهشی تقسیم شده‌اند که هریک موضوعاتی با ارتباطات خاص خود را شامل می‌شود. شوربختانه، تاریخ این علم هم کمک

چندانی به حل معضل نمی‌کند. مقایسه علوم اجتماعی با علوم طبیعی از ابعاد گوناگون مثل اساس علمی، دیدگاه اجتماعی، سبک روش‌شناسی و نهایتاً از منظر نتیجه‌گیری و ارزش‌گذاری، همواره مطرح بوده است. علوم اجتماعی برخاسته از فلسفه اخلاق<sup>(۶)</sup> است، همان‌طور که علوم طبیعی از دل فلسفه طبیعی<sup>(۷)</sup> بیرون آمده است (ص ۶۰۷). انقلابهای بزرگ قرن هجدهم - انقلاب بورژوازی فرانسه و انقلاب صنعتی انگلستان - ماحصل هویت مستقل هر یک از این علوم بوده است (ص ۴۰۳ و ۶۵۱). مثلاً در میان فلاسفه اخلاق اسکاتلندی، مطالعات اقتصاد سیاسی سخت با دیدگاههای وسیع اجتماعی توأم بود، اما جزئی از علم الاجتماع محسوب نمی‌شد. متعاقباً با ظهور پوزیتیویسم<sup>(۸)</sup> (ثبوت‌گرایی) در ابتدای قرن نوزدهم - به‌ویژه در فرانسه - بود که فلسفه پوزیتو، یا علم الاجتماع، نقشی را در فلسفه اخلاق ایفا کرد (ص ۶۵۰).

آگوست کنت<sup>(۹)</sup> (۱۷۹۸ - ۱۸۵۷) اصطلاح Science Social را از شارل فوریه<sup>(۱۰)</sup> (۱۷۷۲-۱۸۳۷) به امانت گرفت؛ هر چند هیچ تردیدی نداشت که روش‌شناسی علوم اجتماعی (که آن را فیزیک اجتماعی<sup>(۱۱)</sup> نیز می‌نامید) فرقی با روش‌شناسی علوم طبیعی ندارد (ص ۸۰۱).

متعاقب نظریات کنت، ۵ رویداد به وقوع پیوست که به سردرگمی موجود و ابهام بیشتر در چهره روش‌شناسی علوم اجتماعی کمک کرد؛ این رویدادها بدین شرح است:  
الف) بیشتر کسانی که به مقایسه شباهت‌های علوم طبیعی با یکدیگر مشغول بودند، سخت درگیر تحقیقات اجتماعی شدند. چارلز بوت<sup>(۱۲)</sup> انگلستان و مکتب شیکاگو<sup>(۱۳)</sup> در آمریکا از نمونه‌های بارز این جریان هستند. فردریک لویلاي<sup>(۱۴)</sup> در فرانسه و مدرسه Verein für socialpolitik در آلمان نیز، روشهای مشابهی را در تحقیقات خود به کار بردند که همه اینها نقطه عطف تجزیه و تحلیل اجتماعی نو (تجربی)<sup>(۱۵)</sup> محسوب می‌شد.

ب) از سوی دیگر امیل دورکم<sup>(۱۶)</sup> (۱۸۵۸ - ۱۹۱۷) و ویلفردو پارتو<sup>(۱۷)</sup> (۱۸۴۸ - ۱۹۲۳) دو نظریه‌پرداز بزرگ در دو حوزه علوم طبیعی و علوم اجتماعی بودند. دورکم سخت به نیاز به مطالعه واقعه‌های اجتماعی<sup>(۱۸)</sup> اعتقاد داشت؛ درحالی‌که پارتو تحت تأثیر دیدگاههای فرانظری<sup>(۱۹)</sup> و نظریه‌پردازیهای خاص بود. با این حال این دو پیروان چندانی نداشتند.

ج) در کنار رقابت شدید پیروان علوم طبیعی و علوم اجتماعی، با شروع قرن بیستم برخی مکاتب که به مطالعه پدیده‌های اجتماعی مشغول بودند، تجزیه و تحلیل‌های حاکم بر علوم طبیعی را اصلاً برای علوم اجتماعی مناسب نمی‌دانستند و رویکردی تازه و متفاوت را

بر اساس همدلی و درک متقابل می‌تولیدند.<sup>(۲۰)</sup> سرانجام، ماکس وبر<sup>(۲۱)</sup> (۱۸۶۴ - ۱۹۲۰) رویکردهای متفاوتی را پیشنهاد داد. او به علوم اجتماعی چیزی را معرفی کرد که بعدها هرمنوتیک<sup>(۲۲)</sup> یا چشم‌اندازهای پدیدارشناسانه<sup>(۲۳)</sup> نامیده شد.

د) به دنبال نزول مکتب تاریخی (رومانتیک) آلمانی اقتصاددانان، علم اقتصاد به سرعت راه خود را رفت و اصلی شکل گرفت که بر اساس آن، تمام علوم اجتماعی حق اطلاق نام علم (Science) را بر خود داشتند.

ه) حوزه‌های جدیدی که ماکس وبر برای علوم اجتماعی گشود، مطالعه بر روی سیاست‌های اجتماعی را از حالت تجویزی به حالت تحلیلی سوق می‌داد و بر این اساس، نظریه‌های سیاسی، فلسفه اخلاق و حتی فقه، روشهایی برای خود در پیش گرفتند (ص ۹۰۷).

با این توضیحات و مطالعه بیشتر بر روی علوم اجتماعی و پدیده‌های وابسته به آن، در کل یک آشفتگی و بی‌نظمی مشاهده می‌شود. تلاشهای زیادی که در زمینه سامان بخشیدن به این معضل صورت گرفته نیز تاکنون بی‌نتیجه بوده است. مهم‌ترین این تلاشها از سوی کارل پوپر<sup>(۲۴)</sup> (۱۹۰۲ - ۱۹۹۴) و تالکوت پارسونز<sup>(۲۵)</sup> (۱۹۰۲ - ۱۹۷۹) صورت گرفت. پوپر تأکید دارد که تنها یک منطق بر مسائل علمی حاکم است، و آن منطق پیشرفت توسط بطلان است، یعنی: ما فرضیه‌ها (نظریه‌ها) را توسعه می‌دهیم و با ابطال فرضیه‌های پیشین طی تحقیقات و با کمک آزمون و خطا، به پیش می‌رویم.

به عقیده دارندورف اگر این دکترین را بپذیریم، پس بیش از ۹۹ درصد علوم اجتماعی به درد نخور است (ص ۸۰۱). از طرفی منطق پوپر برای تشخیص اینکه چه چیزی علم الاجتماع است و چه چیزی علم الاجتماع نیست، هیچ ملاکی به دست نمی‌دهد. از طرف دیگر، پارسونز معتقد است که موضوع (ماده) علوم اجتماعی یک چیز است و آن چیزی نیست جز عملکرد اجتماعی<sup>(۲۶)</sup> و این خود مظهر نظام اجتماعی<sup>(۲۷)</sup> است. از نظر او نظام اجتماعی ۴ زیر گروه دارد: اقتصاد، حکومت،<sup>(۲۸)</sup> نظام فرهنگی،<sup>(۲۹)</sup> و نظامهای جمعی<sup>(۳۰)</sup>. او اقتصاد سیاسی، علوم سیاسی، مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی را در ارتباط با هم می‌داند و معتقد بود تجزیه و تحلیل زیرگروههای نظام اجتماعی یکسان است (ص ۵۸۸).

بسته به نوع دیدگاه تحقیقی (روش‌شناسی، رویکرد تاریخی و ...) مرزهای علوم اجتماعی را تا روان‌شناسی اجتماعی،<sup>(۳۱)</sup> زیست‌شناسی اجتماعی،<sup>(۳۲)</sup> جغرافیای اجتماعی،<sup>(۳۳)</sup> حقوق،<sup>(۳۴)</sup> فلسفه اجتماعی،<sup>(۳۵)</sup> نظریه‌های سیاسی،<sup>(۳۶)</sup> تاریخ اجتماعی<sup>(۳۷)</sup> و تاریخ اقتصاد<sup>(۳۸)</sup> می‌توان گسترش داد (ص ۸۰۰).

هدف دانشنامه علوم اجتماعی ارائه اطلاعات به روز، سهل الوصول، معتبر و جامع الاطراف در حوزه علوم اجتماعی با ساختاری مناسب و کاربردی است (ص ۷۷۷). آدام کوپر (استاد انسان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه برونل) و جسیکا کوپر (عضو ارشد هیئت علمی علوم اجتماعی انتشارات دانشگاه آکسفورد)، سروراستاران این دانشنامه، مخاطبان آن را افرادی با تحصیلات آکادمیک در نظر گرفته‌اند؛ هرچند معتقدند داشتن تخصصهای دانشگاهی برای استفاده از آن ضروری نیست. با آنکه متن کتاب نسبتاً سنگین است اما تلاش ویراستاران در مسیر اهداف ادعا شده کاملاً آشکار است. این کتاب یک دانشنامه تخصصی است که موضوعات آن به شکل الفبایی تنظیم شده و یک تقسیم‌بندی و فهرست موضوعی در ابتدای اثر، کاربرد کتاب را دو چندان کرده است. برپایه این تقسیم‌بندی، علوم اجتماعی در این اثر چنین حوزه‌هایی را دربرمی‌گیرد: انسان‌شناسی، جمعیت‌شناسی، اقتصاد، آموزش و پرورش، جغرافیا، تاریخ، زبان‌شناسی، روش تحقیق علوم اجتماعی، فلسفه، نظریه‌های سیاسی، جامعه‌شناسی، مطالعات بازرگانی و صنعتی و مدیریت، ارتباطات و اطلاع‌رسانی و مطالعات فرهنگی، خانواده و رفتار خویشاوندی، مطالعات زنان و جنسیت، سیاست و مملکت‌داری، حقوق و جرم‌شناسی، روان‌پزشکی و روان‌کاوی و روان‌شناسی بالینی، و مدیریت.

*دانشنامه علوم اجتماعی* تقریباً ۶۰۰ مدخل دارد که ۴۵۰ نویسنده در نگارش آنها نقش داشته‌اند. ساختار اصلی مقالات، پرداختن به مواد اصلی و پایه هر بحث با دیدگاهی مروری و تشریحی و نه انتقادی و تحلیلی است. کل مداخل تقریباً بر پایه ۵ موضوع عمده گزینش شده‌اند: (۱) اصول و نظریه‌های پایه در علوم اجتماعی؛ (۲) روشها و ابعاد گوناگون فلسفه علوم اجتماعی؛ (۳) شخصیت‌های کلیدی و تأثیرگذار در علوم اجتماعی؛ (۴) مکاتب فکری و (۵) موضوعات میان رشته‌ای مرتبط با حوزه علوم اجتماعی.

کتاب برای اولین بار در سال ۱۹۸۵ چاپ شد، اما رشد سریع و پرشتاب حوزه‌های مختلف علمی مرتبط، به ویژه افکار و آراء و نظریه‌های جدید طی یک دهه پس از آن، باعث شد تا ویراست دوم کتاب در سال ۱۹۹۶ و چاپ مجدد آن در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ با بیش از ۹۰ درصد تغییر در مداخل و مطالب نسبت به ویراست اول صورت گیرد. تأثیر عمیق پست‌مدرنیسم طی دهه ۱۹۸۰ بر علوم اجتماعی، بسیاری از تعاریف و نگرشها را سخت دگرگون ساخت. از نظر هابرماس<sup>(۳۹)</sup> (متولد ۱۹۲۹)، پست مدرنیسم نوعی رد محتاطانه اما توأم با خطر یا شانه خالی کردن از مدرنیسم ناتمام بود. مثلاً در حوزه انسان‌شناسی، اقتدار قوم نگارانه<sup>(۴۰)</sup> در دهه ۱۹۸۰ سخت مورد حمله قرار گرفت و جای

خود را به رویکردهای گفتمانی<sup>(۴۱)</sup> داد (ص ۶۵۲). یا مثلاً در حوزه جامعه‌شناسی، به خصوص جامعه‌شناسی فرهنگی، تمرکز کامل پست مدرنیسم بر نوعی شخصیت‌پردازی از جوامع غربی معاصر است، یعنی «حالت پست مدرن»<sup>(۴۲)</sup>. البته باید توجه داشت که دو اصطلاح پست مدرن و پست مدرنیسم با هم فرق دارند. پست مدرن را باید در ارتباط با اوضاع فرهنگی و اجتماعی به کار برد، در حالی که پست مدرنیسم در خصوص شیوه تفکر، استراتژی یا سبک و سیاق به کار می‌رود. آراء جدید در مورد لیبرالیسم به خصوص لیبرالیسم اجتماعی و لیبرالیسم اقتصادی و گشودن بحث خصوصی‌سازی از ابعاد نو (ص ۶۷۲) از دیگر مطالب جدید ویراست اخیر محسوب می‌شود.

از خصوصیات بارز این دانشنامه، پرداختن نسبتاً همه‌جانبه به مطالعات میان رشته‌ای است. تأکید بر مطالعات فرهنگی با تکیه بر تاریخ و جغرافیای فرهنگی، مطالعات جامعه‌شناختی، انسان‌شناسی روان‌شناسانه و اقتصادی به ویژه نفوذ و گسترش افکار جدید نظیر نظریه‌های بازی<sup>(۴۳)</sup>، انتخاب عقلانی<sup>(۴۴)</sup>، نوداروینیسم<sup>(۴۵)</sup> و رفلکسیویته<sup>(۴۶)</sup> در این دانشنامه گرد آمده است. برای مثال، نظریه بازی که برخاسته از علم ریاضیات است به بررسی دال و مدلول و عامل دلالت نه تنها در بازیها که در کشمکشهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی می‌پردازد (ص ۳۲۴). هدف این نظریه، مشخص کردن استراتژیهای انتخاب شده از سوی طرفین بازی به منظور رسیدن به اهداف عقلانی خود و نتایج مورد انتظار از آن است. برخی بازیها الگوی بسیار مناسبی برای مطالعه مشکلات مشابه در اجتماع هستند (ص ۳۲۵).

*دانشنامه علوم اجتماعی* تعریف ثابت و مشخصی از علوم اجتماعی در معنای عام آن نداده است. شاید بهترین تعریف از آن رابرت نیزبت<sup>(۴۷)</sup> باشد که آن را هر شاخه یا رشته‌ای از علم که با رفتار انسان و ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن سر و کار داشته باشد، تعریف می‌کند و آن را مشتمل بر انسان‌شناسی فرهنگی یا اجتماعی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم سیاسی، اقتصاد، جغرافیای اقتصادی و اجتماعی و حتی جنبه‌هایی از تعلیم و تربیت که با موضوعات اجتماعی یادگیری و روابط مدرسه و جامعه ارتباط دارند، می‌داند. باید افزود که تاریخ و حقوق تطبیقی<sup>(۴۸)</sup> نیز با علوم اجتماعی مرتبط هستند. از سوی دیگر، از دهه ۱۹۵۰ به بعد اصطلاح علوم رفتاری<sup>(۴۹)</sup> با زیر شاخه‌هایی چون انسان‌شناسی فیزیکی<sup>(۵۰)</sup> و روان‌شناسی فیزیولوژیکی<sup>(۵۱)</sup> جزء علوم اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند.

الهیات و نقش آن در علوم اجتماعی در این اثر کمرنگ است و این در حالی است که تقریباً تمام موضوعات و مسائلی که ریشه در علوم اجتماعی داشته‌اند (به ویژه در

سده‌های پیشین) محصور در چهارچوب حکمت مدرسی<sup>(۵۲)</sup> قرون وسطا بوده است و حتی برای نخبگان و متفکران، شکستن این چهارچوبها آسان نبوده است. در نضج گرفتن علوم اجتماعی (از قرن ۱۷، به خصوص در قرن ۱۸ میلادی) نقش علوم مادی و فلسفه طبیعی در مرتبه اول قرار می‌گیرد (و نه فقط فلسفه اخلاق). علاوه بر آن آگاهی از کثرت، تنوع و چندگانگی بشر در جهان، جایی برای قوم محوری و تنگ‌نظریهای معمول - به ویژه نزد پژوهشگران غربی - باقی نگذاشته است. موضوع مهم دیگر در شکل‌گیری علوم اجتماعی، نگرش به رفتار انسان در اجتماع از ابعاد فرهنگی و اجتماعی بود نه صرفاً بُعد زیست‌شناسانه آن. همین عوامل باعث شد تا علم الاجتماع استقلال خود را از علوم طبیعی به دست آورد و خود شاخه‌ها و رشته‌های متعددی را ترتیب دهد. در این میان نقش دو عامل بسیار مهم را نباید نادیده گرفت که در سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی منشأ بزرگ‌ترین نظریه‌های اجتماعی شدند. یکی ایده ساختار (structur) است که اولین بار در نوشته‌های هابز، لاک و روسو از ابعاد سیاسی و حکومت‌داری مطرح شد و بعدها در اواسط قرن ۱۸ در نوشته‌های اقتصادی طبیعت‌گرایان<sup>(۵۳)</sup> و آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰) تبلور یافت.<sup>(۵۴)</sup> چنین نگرشی در روان‌شناسی نیز دیده می‌شود. دیگر آنکه همین نگرش که از علوم زیستی و مادی عاریت گرفته شده بود، شالوده ادراکات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آن سده‌ها را شکل می‌داد که با اندکی تغییر تا قرن بیستم ادامه یافت، به طوری که خیلی از واژه‌هایی که امروزه استعمال می‌شود ساخته و پرداخته دو دهه آخر قرن ۱۸ و ربع اول قرن ۱۹ میلادی است.<sup>(۵۵)</sup>

گرچه در این اثر به بن‌مایه‌های انقلابهای بزرگ (انگلستان: ۱۶۴۰، فرانسه: ۱۷۸۹، مکزیک: ۱۹۱۰، چین: ۱۹۱۱، روسیه: ۱۹۱۷ و ایران: ۱۹۷۹) اشاره و تأثیر دو انقلاب بورژوازی و صنعتی فرانسه و انگلستان در علوم اجتماعی تحلیل شده است، چند نکته بارز باید مرور شود: یکی افزایش ناگهانی جمعیت که تنها طی ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ میزان آن در اروپا از ۱۴۰ میلیون نفر به ۲۶۶ میلیون نفر رسید، یا آنکه جمعیت کل جهان از ۷۲۸ میلیون نفر به بیش از یک میلیارد نفر بالغ شد. برای اولین بار این توماس مالتوس (۱۷۶۶-۱۸۳۴) بود که مسائلی چون رفاه اجتماعی به ویژه بهداشت و سلامت جمعی را در این حجم بالا مطرح ساخت. دوم، موضوع کارگران بود که اهمیت آن در شروع قرن ۱۹ میلادی به مراتب بیشتر از توده‌های زارع ادوار گذشته محسوب می‌شد. سوم، تغییر شکل ماهیت مالکیت بود، چه در شکل صنعتی و تجاری آن و چه در سایر اشکال. چهارم، شهرنشینی و گسترش آن، مدینت‌نو، آزادی فکر، روابط انسانها، تضعیف خانواده، اخلاق ناهنجار و سایر مشکلات زندگی شهری که پیشگامان پرداختن به این موضوعات در فرانسه

فردریک لویلای و امیل دورکم، در آلمان فریدیناند تونیس، ژورژ شیمیل و ماکس وبر، در بلژیک آدولف کتله (۱۷۹۶-۱۸۷۴) و در امریکا، چارلز کولی و رابرت پارک بودند.<sup>۵۶</sup> پنجم، فناوری و گسترش آن ابتدا در کارخانه‌ها و سپس در کشاورزی بود که از منظر متفکران باعث گسستگی روابط تاریخی بین انسان و طبیعت، انسان و انسان و حتی انسان و خداست. خود نظام کارخانه‌ها و تأثیر آن بر زندگی کارگران زمینه‌ساز افکار جدید و اصلاحات اجتماعی بود. و سرانجام توسعه سیاسی و رشد شعور سیاسی توده مردم که هر چند به صورت تدریجی اما مؤثر، منجر به مشارکت مردم در سیاست‌گذاریها و روندهای سیاسی اجتماع آنها شد.

کتاب اشاره‌ای بجا به نقش پوزیتیویسم (ثبوت‌گرایی) در علوم اجتماعی از قرن ۱۹ میلادی دارد، اما با وجود کثرت و اعتباری که فلسفه پوزیتیو برای این علوم به ارمغان آورد، بهتر بود به دو دیدگاه انسانیت‌گرایی<sup>(۵۷)</sup> و فلسفه تکامل در این مسیر نیز اشاره می‌شد.<sup>(۵۸)</sup> در این دیدگاه رفاه جامعه و ترقی اخلاقیات و اوضاع اجتماعی با تکیه بر بهبود و گسترش نهادهای مدنی مدنظر است.

ضمن برشمردن روش‌شناسی علوم اجتماعی به دو نکته حتماً باید اشاره می‌شد، آن هم به دو طیف کاملاً متقابل و البته هم‌اندازه. یکی طیفی که نظر به سوی اتحاد و یکپارچگی علوم اجتماعی داشت، و دیگری طیفی که تمایل به تخصصی و مجزا شدن این علوم می‌ورزید.<sup>(۵۹)</sup> طیف اخیر ثمرات و نتایج پرباری را به ارمغان آورده است. اقتصاد اولین علمی بود که استقلال خود را به عنوان یک رشته مستقل و تخصصی به دست آورد و همان‌طور که پیشتر گفته شد آدم اسمیت و طبیعت‌گرایان آغازگر این جریان در قرن ۱۸ میلادی بودند تا آنکه نتیجه افکار ایشان در قرن ۱۹ اصطلاح «اقتصاد سیاسی» را به همراه آورد. اقتصاد و زیرشاخه‌های وابسته به آن از نکات قوت مباحث این کتاب محسوب می‌شود، هر چند توقع می‌رفت در همین دانشنامه، مدخلی جداگانه برای اقتصاد آزاد<sup>(۶۰)</sup> اختصاص می‌یافت. رقیب اقتصاد در عالم علوم اجتماعی، سیاست بوده است. علم سیاست به عنوان رشته‌ای مجزا و مستقل با افکار ماکیاوولی، هابز، لاک و روسو شکل گرفت تا آنکه تجربیات حاصل از انقلابات بعدی، قدرت را در معنای حاکمیت<sup>(۶۱)</sup> تعریف و روابط آن را تبیین نمود. اما در کتاب برای آن مدخلی جداگانه منظور نشده، هر چند در سایر مداخل به آن پرداخته شده است. سومین رشته مستقل، انسان‌شناسی فرهنگی (مردم‌شناسی) بود که در آغاز «علم بشر» خوانده می‌شد و عمده توجهش نیز بشر ابتدایی بود. یک سوی آن نگرش

به بشر از بعد زیستی و فیزیولوژیک و سوی دیگر آن نگرشهای فرهنگی و اجتماعی نسبت به بشر بود. تکیه انسان‌شناسی بر فرهنگ بشری در میان مردمان «ابتدایی» افریقا و آسیا و امریکا و اقیانوسیه، واژه قوم‌شناسی<sup>(۶۲)</sup> را به منظور تفکیک از جنبه‌های فیزیکی انسان‌شناسی ابداع کرد. در این دیدگاه، فرهنگ بشری همان تعریف تایلور را در اثرش به نام فرهنگ بدوی<sup>(۶۳)</sup> (۱۸۷۱م) داشت که فرهنگ را بخشی از عادات آموخته بشر می‌دانست.<sup>(۶۴)</sup> جالب آنکه دانشنامه علوم اجتماعی هیچ مدخلی را به قوم‌شناسی اختصاص نداده و تنها در خصوص قوم‌نگاری بحث کرده است. جامعه‌شناسی به تفصیل در این کتاب بحث شده است. آنچه ملموس است سعی کتاب در جداسازی حوزه جامعه‌شناسی از انسان‌شناسی تا حد امکان است. این در حالی است که همواره تعیین مرز مشخص بین این دو حوزه و فعالیت‌های آنها دشوار و ناممکن بوده است. این اشتراک در حوزه‌های مورد علاقه به شدت میان جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی فرهنگی نمود می‌یابد. هم کنت و هم اسپنسر، تمدن با تمام مظاهر آن را موضوع اصلی جامعه‌شناسی می‌خواندند. برای همین آثار آنها به خاستگاه و توسعه مدنیت همراه با نهادهای عمده آن می‌پردازد؛ تفکیک جامعه‌شناسی به دو طیف «استاتیک» و «دینامیک» از ابتکارات آن دو است. روان‌شناسی اجتماعی که سابقه‌اش به قرن ۱۹ میلادی برمی‌گردد تا حدی ناشناخته و نامفهوم است. رابطه نزدیک ذهن انسان با نظم اجتماعی و وابستگی آن به آموزش و سایر نظام‌های مدنی به خوبی در قرن ۱۸ میلادی شناخته شده بود. «ذهن جمعی» و تجزیه و تحلیل فرهنگها و جوامع مختلف در جهان در قرن ۱۹ شکل گرفت. در آلمان، موریتس لازاروس<sup>(۶۵)</sup> و ویلهلم وونت<sup>(۶۶)</sup> (۱۸۳۲-۱۹۲۰) سعی در مرتبط ساختن پدیده‌های روان‌شناختی با تحلیل‌های جامع فرهنگی داشتند. روان‌شناسی اجتماعی با ریزینی مقبولی در این کتاب تفسیر شده اما جای مبحث جدید و مورد توجه دانشمندان امروزی، یعنی روان‌شناسی اقوام<sup>(۶۷)</sup> و پرداختن صریح به آن کاملاً خالی است. جغرافیای اجتماعی و آمارگیری اجتماعی<sup>(۶۸)</sup> جزء آخرین رشته‌های علوم اجتماعی‌اند که در دانشگاهها و محافل علمی برای خود جایی باز کردند و با آغاز قرن بیستم تأثیرات مهمی بر علوم اجتماعی نهادند. کتاب در زمینه جغرافیای اجتماعی حق مطلب را ادا کرده اما با توجه به نقش تعیین کننده فدریدریش راتسل آلمانی و پل ویدال دولابلاش<sup>(۶۹)</sup> فرانسوی در نشان دادن اهمیت توپوگرافی و آب و هوا در شکل‌گیری عادات انسانها، بهتر بود مداخل جداگانه‌ای به این دو شخصیت اختصاص داده می‌شد.<sup>(۷۰)</sup> هرچند این دانشنامه معضلات اخیر فرهنگی چون دور افتادن از اجتماع وابسته یا



جستجو برای اجتماعات نو و نیز وابستگیهای فردی به جامعه یا اخلاقیات را به بحث کشیده است، بهتر بود مقولاتی چون از خودیگانگی، گم گشتگی، سردرگمی، بحران هویت و انحراف از معیارها را که دغدغه بسیاری از حوزه‌های علوم اجتماعی به خصوص روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی است، بیشتر و بهتر مطرح می‌کرد.

با توجه به گسترش روزافزون ریشه‌های علوم اجتماعی و علوم مرتبط با آن و تعداد زیاد مؤسسات و دانشمندان این حوزه‌ها، توقع می‌رفت که دست کم موارد بسیار معروف و تأثیرگذار در این اثر معرفی می‌شد. از جمله حوزه‌هایی که امروز در مطالعات اجتماعی برخی نقشهای کلیدی را به خود اختصاص داده‌اند می‌توان از: جامعه‌شناسی سیاسی، انسان‌شناسی اقتصادی، روان‌شناسی حق رأی و جامعه‌شناسی صنعتی نام برد. باید توجه داشت که امروزه، علوم اجتماعی، علوم صرفاً تحقیقی و آموزشی نیستند، بلکه علومی عملی نیز محسوب می‌شوند، به طوری که نقش روزافزون آن را مثلاً در پزشکی شاهدیم. از سوی دیگر نقش تعیین کننده علوم جدیدی چون انفورماتیک در حوزه علوم اجتماعی بسیار برجسته و قابل تأمل است. رشد خیره‌کننده تکامل خواهی و پیشرفت‌گرایی<sup>(۷۱)</sup> در سه دهه اخیر با توجه به پیشینه پرتحرک آن در دو سده قبلی و با در نظر داشتن تعاریف نواز ملیت، قومیت، هویت، اقوام جدید، فرهنگهای نوظهور، رشد اقتصادی، توسعه سیاسی و بسیاری موارد دیگر، توقع می‌رفت که در این زمینه دانشنامه به طور وسیع و جامع بدان می‌پرداخت.

از نکات سؤال برانگیز این است که با توجه به تعاریف و نظریات جدیدی که پس از جنگ جهانی دوم در خصوص «نظامهای اجتماعی» و کنترل فعالیتهای انسان توسط نظامهای ماشینی و الکترونیکی مطرح شد، چرا هیچ اثری از علم سایبرنتیک (فرمان‌شناسی) در این کتاب نیست؛ البته مباحث مرتبط چون ساختارگرایی و کارکردگرایی<sup>(۷۲)</sup> به ویژه در حوزه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی به خوبی مطرح شده‌اند. سرانجام از دیگر حوزه‌های جدید علوم اجتماعی باید «میان‌کنش‌گرایی»<sup>(۷۳)</sup> را نام برد که در این کتاب مهجور مانده است.

با تمام این تفاسیر باید اذعان داشت به جز صفحه‌پردازی کتاب - به خصوص در صفحات شناسنامه و فهرست‌بندیها - که چندان مناسب به نظر نمی‌رسد، نویسندگان و ویراستاران در برآوردن انتظارات مخاطبان خود در قبال ادعاهای مطرح شده، از جمله جدید بودن منابع، تخصصی و در عین حال قابل فهم بودن مقالات، جامع‌الاطراف بودن موضوعات و مستند بودن مطالب کتاب موفق بوده‌اند.<sup>(۷۴)</sup>

پی‌نوشتها

۱. استاد علوم اجتماعی و سرپرست کالج سنت آنتونی، آکسفورد

Dahrendprf. Ra.l.f (2001), "Social Science", in the *Social Science Encyclopedia*, A. Kuper and J. Kuper (Eds), London: Routledge

2. economics

3. sociology

4. anthropology

5. political science

6. moral philosophy

7. natural philosophy

8. positivism

9. Comte,A.(2001), *Cours de philosophie positive*, Adamant Media corporation: Paris, and Idem (1844), *Discours Sur l'esprit positif*, Paris.

10. Fourier , C. (1998), *Théorie des quatre mouvements et des destinées générales*, Presses du Réel: Lyon.

11. social physics

12. Charles Boothe

۱۳. مکتب شیکاگو، گروهی از مهندسان و معماران شهرساز در دهه ۱۸۹۰ بودند که بنیادگذاران آسمان‌خراشهای امروزی به حساب می‌آیند. آثار و فعالیت‌های آنها در شیکاگو را «زادگاه معماری نو» نامگذاری کرده‌اند. از اعضای این مکتب می‌توان از لوئیس سولیوان، دانیل برنهام و جان ولیورن روت (۱۸۵۰-۱۸۹۱) نام برد.

14. Frederic le Play

15. empirical

16. Durkheim, E.(1895), *Les Régles de la méthode scientifique* , Paris.

17. Pareto , V.(1916), *Trattato die sociologia generale*, Rome.

18. Social facts

19. metatheoretical insights

20. German historical (romantic) school of economists

21. Weber,M.(1921), *Wirtschaft und Gesellschaft*, Mohr: Tübingen.

22. hermeneutic

23. Phenomenological perspectives

24. Popper.K.(1945), *The Open Society and its Enemies*, Routledge London, and Idem (1959), *The Logic of Scientific Discovery*, New York

25. Parsons, T.(2004), *The Structure of Social Action*, 2nd edition, Free Press: NewYork.

26. social action

27. social system

28. polity

29. cultural system

30. integrative systems

31. social psychology

32. social biology

33. social geography
  34. law
  35. social philosophy
  36. political theory
  37. social history
  38. economic history
  39. Habermas, J. (1990). *The Philosophical Discourses of Modernity*, The MIT Press: U.S.A.
  40. ethnographic authority
  41. dialogical approaches
  42. post-modern condition
  43. game
  44. rational choice
  45. neo-Darvinism
  46. reflexivity
  47. Nisbet, Robert A., (2004), "Social Science", in *Encyclopedia Britannica*, New edition, London.
  48. comparative law
  49. behavioral sciences
  50. physical anthropology
  51. physiological psychology
  52. scholasticism
  53. physiocrats
  54. Elmer, H. and H. Becker (1952), *Social Thought From Lore to Science*, 2nd ed., 2 Vols., Dover Publications Inc: London.
۵۵. واژه‌هایی چون:
- industry, industrialist, democracy, class, middle class, ideology, intellectual, rationalism, humanitarian, atomistic, masses, commercialism, proletariat, collectivism, equalitarian, liberal, conservative, scientist, utilitarian, bureaucracy, capitalism.
56. Hobsbawm, Eric J. (1962), *The Age of Revolution: 1789 - 1848*, Nintage: London.
  57. humanitarianism
  58. Nisbet, Robert A. (1969), *Social Change and History*, Oxford University Press: Oxford.
  59. Harris, Marvin (1968), *The Rise of Anthropological Theory: A History of Theories of Culture*, N. Y 1969, New York
  60. laissez-faire
  61. sovereignty
  62. ethnology
  63. *Primitive culture*
  64. Lowie, Robert H. (1937), *The History of Ethnological theory*, Holt, R & W, U.S.A.
  65. Muritz lazarus

66. Wilhelm Wundt
67. folk psychology
68. Social statistics
69. Paul Vidal de la Blache
70. Coscr, lewis A.(1977), *Masters of Sociological Thought*, 2nd edition, Harcourt: New York.
71. developmentalism
72. structuralism and functionalism
73. interactionism

۷۴. کتاب‌شناسی این اثر بدین قرار است:

Kuper, Adam and Jessica Kuper (2005), *The Social Science Encyclopedia*, third edition, Routledge, London and New York.

